

اعجاز بلاغی

«تقدیم و تأخیر» در قرآن کریم

مؤلف:

دکتر قادر قادری

www.ketab.ir

قادری، قادر، ۱۳۵۷

اعجاز بلاغی «تقدیم و تأخیر» در قرآن کریم / مولف قادر قادری
تهران: نشر احسان، ۱۳۹۸.
ص ۱۷۴.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۴۹-۴۱۱-۴

موضوع: قرآن -- مسائل ادبی -- تقدیم و تأخیر

موضوع: Qur'an as literature -- Priority and posteriority

رده بندی کنکرو: ۷۹۳BP/۹/۱۲الف ۷۹۳۱

رده بندی دیوین: ۲۹۷/۱۵۲

شماره کتابشناسی ملی: ۵۰۷۸۱۴۰



تهران، خیابان انقلاب، روبهروی دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده، شماره ۲۰۶.



www.nashrehsan.com

تلفن: ۶۶۹۵۲۴۰۲



عنوان: «تقدیم و تأخیر» در قرآن کریم

مؤلف: دکتر قادر قادری

ناشر: نشر احسان

چاپخانه: چاپ مهتاب

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۸

قیمت: ۱۴۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۴۹-۴۱۱-۴

www.KeToob.ir

فهرست

مقدمه	۱۱
فصل اول	۱۹
تقدیم و تأخیر معطوفات	۱۹
تمهید	۲۱
مبحث اول: عطف مفرد بر مفرد	۲۳
۱- تقدیم واژه «نصاری» بر واژه «صابین» و تأخیر آن	۲۳
۲- تقدیم واژه «هارون» بر واژه «موسی» و تأخیر آن	۲۶
۳- تقدیم واژه «لهو» بر واژه «لعب» و تأخیر آن	۲۸
۴- تقدیم واژه‌های «انس» و «ناس» بر واژه‌های «جن» و «جان» و «شیتة»	تأخیر آنها
۵- تقدیم واژه «قارون» بر واژه «فرعون» و تأخیر آن	۴۷
۶- تقدیم ضمائر «مخاطب» بر ضمائر «غایب» و تأخیر آن	۴۹
۷- تقدیم (کتاب) بر (قرآن) و تأخیر آن	۵۱
مبحث دوم: عطف جمله بر جمله	۵۳

- ۱- تقدیم جمله «لا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ» بر جمله «لا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ» و تأخیر آن
 ۵۳
- ۲- تقدیم جمله «وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا» بر جمله «وَقُولُوا حِطَّةً» و تأخیر آن ۵۶
- ۳- تقدیم جمله «يُعَذِّبُ» بر جمله «يَغْفِرُ» و تأخیر آن ۵۹
- ۴- تقدیم حال (زکریا) بر حال (همسرش) و تأخیر آن ۶۱
- ۵- تقدیم (تزکیه) بر (تعلیم کتاب و حکمت) و تأخیر آن ۶۲
- ۶- تقدیم «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» بر «اِخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ» و تأخیر آن ۶۴
- ۷- تقدیم (شهادت ائمت) بر (شهادت رسول) و تأخیر آن ۶۵
- ۹- تقدیم (فس نار) و تأخیر آن ۶۷
- مبحث سوم: عنصرهای مختلف (برخی از این معطوفات مفرد و برخی نیز جمله هستند) ۶۹
- ۱- تقدیم (نفع) بر (ضرر) و تأخیر آن ۶۹
- ۲- تقدیم (ارض) بر (سماء) و تأخیر آن ۸۰
- فصل دوم ۸۵
- تقدیم واژه به خاطر افاده اغراض معنوی ۸۵
- الف- افاده اختصاص ۸۷
- ۱- تقدیم مفعول بر فعل ۸۷
- ۲- تقدیم خبر بر مبتدا ۹۰
- ب- افاده مدح، تعظیم، تحقیر و غیره ۹۱
- فصل سوم ۹۳
- تقدیم و تأخیر «صفات» بر یکدیگر ۹۳
- ۱- تقدیم (حلم) بر (مغفرت) و تأخیر آن ۹۵

۹۸	۲- تقدیم (حکیم) بر (علیم) و تأخیر آن
۱۰۲	۳- تقدیم (مبارک) بر (آنزلناه) و تأخیر آن
۱۰۳	۴- تقدیم (رحیم) بر (غفور) و تأخیر آن
۱۰۵	فصل چهارم
۱۰۵	تقدیم اسم معرف به (ال) بر اسم معرف به (اضافه) در اسم (ان) و تأخیر آن
۱۰۷	۱- تقدیم (هدی) بر (هدی الله) و تأخیر آن
۱۱۱	فصل پنجم
	تقدیم و تأخیر واژه‌ها به خاطر تقدم زمانی، فضیلت، رتبه و مقام، کثرت و کمی و ...
۱۱۱	تمهید:
۱۱۳	مبحث اول: تقدیم به خاطر تقدم مانی
۱۱۶	مبحث دوم: تقدم به خاطر فضیلت واژه
۱۱۹	مبحث سوم: تقدم واژه به خاطر رتبه و مقام
۱۲۳	مبحث چهارم: تقدم واژه به خاطر دلالت آن بر کثرت
۱۲۷	فصل ششم
۱۳۳	تقدیم و تأخیر «جار و مجرور» بر یکدیگر
۱۳۳	مبحث اول: تقدیم (جار و مجرور) بر (جار و مجرور) و تأخیر آن
۱۳۵	۱- تقدیم (به) بر (لغیر الله) و تأخیر آن
۱۳۵	۲- تقدیم (بالقسط) بر (لله) و تأخیر آن
۱۳۷	۳- تقدیم (بأموالهم و أنفسهم) بر (فی سبیل الله) و تأخیر آن
۱۴۰	۴- تقدیم (علی شین) بر (مما کسبوا) و تأخیر آن
۱۴۵	۵- تقدیم (للناس) بر (فی هذا القرآن) و تأخیر آن
۱۴۶	

- ۶- تقدیم (بِآيَاتِنَا) بر (إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَتْهُ) و تأخیر آن ۱۴۹
- ۷- تقدیم (علینا) بر (به) و تأخیر آن ۱۵۱
- مبحث دوم: تقدیم جار و مجرور بر فاعل ۱۵۴
- ۱- تقدیم (به) بر (قلوبکم) و تأخیر آن ۱۵۴
- ۲- تقدیم (أَفْصَىٰ الْمَدِينَةِ) بر (رَجُلٌ) و تأخیر آن ۱۵۵
- ۱- تقدیم (علیه) بر (الذَّکر) و تأخیر آن ۱۵۷
- مبحث سوم: تقدیم جار و مجرور بر مفعول به ۱۵۹
- ۱- تقدیم (من) بر (رسلاً) و تأخیر آن ۱۵۹
- ۲- تقدیم (منا) بر (ر-مة) و تأخیر آن ۱۶۱
- ۳- تقدیم (فیه) بر (سواخیر) و تأخیر آن ۱۶۳
- مبحث چهارم: تقدیم جار و مجرور بر صفت ۱۶۶
- ۱- تقدیم (مِنْ قَوْمِهِ) بر (الَّذِينَ كَفَرُوا) و تأخیر آن ۱۶۶
- مبحث پنجم: تقدیم جار و مجرور بر حال ۱۶۸
- ۱- تقدیم (علی هؤلاء) بر (شهداء) و تأخیر آن ۱۶۸
- منابع ۱۷۱

مقدمه

به نام شریفین و یاد دلنشین خدا

سپاس و ستایش سزاوار آن خالق بکتاست که یاد و نامش مایه قوت قلب‌ها و قوت جان‌هاست. خدایی که قرآن را این توفه‌ی آسمانی و این معجزه‌ی جاودانی را بر آدمیان خاکی ارزانی داشت تا هر کس که او را ببیند و از روی دلیل راه یابد، و هر کس که گمراه می‌گردد، دلیل و حجتی نداشته باشد.

زیبایی و آرایه‌های واژگانی قرآن گستره‌ی دل‌نشین است که دربارۀ این کتاب می‌توان از آن یاد کرد. سخن آهنگین و گزینش رزوه‌های خوش نواز و دل‌انگیز و چینش بسامان، به این نوشته چنان جانی بخشیده است که تا با او، ای‌بدان نیز نمی‌توانستند از پذیرش جانفزایی و دلربایی آن سرباز زنند. البته ارزیابی و سنجش این ویژگی نیاز بیشتری به آشنایی با زبان و سبک‌های ادبی عربی دارد. گریه‌ها و انکار کرد که زیباشماری قرآن از سوی مسلمانان، تا اندازه‌ای برخاسته از باور و شیفتگی دینی آنان به این متن است، که سخن مستقیم پروردگارش می‌دانند، ولی مگر تنها مسلمانان بر این ویژگی پای می‌فشارند؟ نگاهی گذرا و آگاهی نه‌چندان گسترده به روزگار آغاز پیدایش قرآن کافی است تا گریایی و دلربایی این متن را نزد

آنان که به زبان مادری خویش، آن هم در دوران شکوفایی سخنوری عرب، شیفته زیبایی های قرآن می شدند، دریابیم. گزارش هایی که از چگونگی اسلام آوردن برخی از صحابه نامدار رسول خدا ﷺ که گیرایی آیات، آنان را به سوی پیامبر کشاند، نشان دهنده همین واقعیت است.

گذشته از این، مخالفان و دشمنان پیامبر نیز خود بدین ویژگی اعتراف می کردند. اگر شیفتگی دوستان را از سر دل باختگی و ایمان به سخن خداوند و پیمبرش بدانیم، گفته های کافران و دشمنان پیامبر را چه کنیم؟ مگر نه این که سخن او را «اف بونگر» می دانستند و خود او را «ساحر» و «شاعر» می خواندند؟ آیا کسی سرودن شعری را به پیامبر اسلام نسبت داده است؟! یا مقصود آنان زیبایی آیاتی بود که او پس از پانزده سالگی آن ها را برای مردم بازگو می کرد؟

یادآوری این نکته از سری خود پیامبر به مردم روزگار خویش نیز بسیار مهم است که: من پیشتر از این، سری را در میان شما بسر برده ام، آیا نمی اندیشید؟ به راستی اگر زیبایی سخن او بدان پایه که در قرآن آمده از سوی خود پیامبر بود، چرا در چهل سال نخست زندگی او نشانی از این دست سخن نمی توان یافت؟ به هر روی همه این ها گواه آن است که غیر مسلمانان و حتی مسلمانان نیز از پذیرش زیبایی سخن قرآن سر بر نمی تافتند.

آیا پذیرش زیبایی سروده های حافظ در زبان پارسی رسیده در آلمانی، حتما در گرو آشنایی و توان ارزیابی شعر در این دو زبان است، یا می توان از این همه اشتها و داوری موافقان و مخالفان اندیشه های این شاعران نیز توانایی ایشان و استواری سروده هایشان را دریافت؟ البته روشن است که آشنایی مستقیم با زبان یک متن و توان ارزیابی ادبی آن، راه بهتر و بالاتری می باشد، ولی مقصود ما آن

است که همگان می‌توانند جنبه‌ی زیبایی ادبیات قرآن را تصدیق کنند، هرچند با زبان اصلی آن آشنایی گسترده‌ای نداشته باشند.

از سویی دیگر در گذر سده‌های تاریخ اسلام تا امروز، صدها و شاید هزاران کتاب در زمینه تفسیر و جنبه‌های ادبی و زیبایی‌های واژگانی قرآن به نگارش درآمده و امروز میراث سترگی در گستره علوم اسلامی برجای مانده است.

از رهی‌ارنوشته‌ها نیز در قراز و فرود رخدادهای تاریخی گذشته از میان رفته‌اند که ما تنها از آنها نامی را می‌شناسیم و گاهی حتی نامی هم نمانده است. در این حجم بزرگ که در زبان‌هایی چون تازی و پارسی که به زبان قرآن نزدیک‌ترند، از ویژگی‌های ادبی و آراه‌های واژه‌های آن سخن گفته شده است. آیا می‌توان پذیرفت که هزاران اندیشمند صدها نویسنده، ادیب و پژوهشگر، همگی تنها به دنبال شیفتگی اعتقادی خویش در رخسار از جانب‌داری دینی به چنین کاری دست زده‌اند و قرآن دارای ویژگی برجسته‌ای در این زمینه نیست؟ به راستی که اگر کسی چنین احتمالی را هم به ذهن بیاورد، سخن بیهوده و خنده‌آوری خواهد بود.

آیا می‌توان این همه ریزه‌کاری‌های ادبی و نکته‌داری را که در طول تاریخ نگارش‌های تفسیری، هزاران ورق بر دفتر معرفت بشر افزوده است به یکباره شست و به کناری نهاد و آن را بی‌پایه دانست؟ به راستی چنین مستحکم در هر شاخه و رشته‌ای از فرهنگ و دانش بشری و در هر کجای جهان و تاریخ، نبخشش ردنی است. چرا این همه دانشمند و ادیب و نویسنده مسلمان، یک‌دهم این تلاش را برای متون دینی دیگر به کار نبسته‌اند تا شیفتگی و جانب‌داری اعتقادی خود را در گستره‌ای دیگر نیز بنمایانند؟ آیا بزرگداشت سخنان دیگر پیامبر اسلام یا دیگر رهبران اصلی دین، تا این اندازه کم و ناچیز است؟

حقیقت آن است که آنان به دنبال سفارش و پافشاری خود پیامبر، دریافته‌اند که سخن خداوند در قرآن، رنگ و بوی دیگری دارد و این متن آمده تا نمونه‌ای برای همه روزگاران باشد تا بهترین داستان‌ها، ذکر، روشنایی، بیان، راهنما، استوار، رسا و... باشد و اگر همه انسان‌ها توان خویش را بر هم انباشته سازند و از توش و تران‌های دیگر نیز بهره جویند، حتی یک سوره مانند آن نخواهند آورد!

این سان می‌بینیم که تصدیق این مطلب نیز حتما نیازمند آشنایی نزدیک با زبان قرآن نیست. چگونه می‌توان پذیرفت که هزاران تن اهل دانش، از نویسنده و مدرس پژوهش‌گر و دانش‌پژوه، با هزاران صفحه و جلد و مطلب درباره قرآن، به مبالغه و اغراق رداخته و متنی عادی را محور این همه تلاش قرار داده باشند؟

نکته درخور توجه دیگر این که بسیاری از این تلاشگران در گستره قرآن‌پژوهی از اقوام عرب‌زبان هم نبودند. به ویژه ایرانیان در گذر سده‌ها بیشترین کوشش را برای سامان بخشیدن به شاخه‌های گوناگون ادبیات عرب به انجام رسانده‌اند تا این همه را در خدمت پژوهش و موشکافی قرآنی درآورند، و از این رهگذر جنب و جوش فرهنگی ارزشمندی برای فرهنگ ایرانی به ارمغان آورده و برجای گذاشته‌اند. به راستی این همه اندیشمندان غیرعرب که از نخستین سده پیدایش اسلام تاکنون به کاوش در تفسیر و علوم قرآن، در رشته‌های گوناگون و از مورخ تا کاوریده‌اند، راهی بیهوده و بی‌اساس پوییده‌اند؟

۱. اسراء، آیه ۸۸: ﴿قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْحِیُّ عَلَىٰ أَنْ یَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا یَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِیرًا﴾. «بگو: اگر همه‌ی مردمان و جمعلگی یریان گرد آیند و متفق شوند بر این که همچون این قرآن را (با این شیوه‌های دلربا و معانی زیبا بسازند و) بیاورند، نمی‌توانند مانند آن را بیاورند و ارائه دهند، هرچند هم برخی از ایشان پشتیبان و مددکار برخی دیگر شوند (چرا که قرآن کلام یزدان و معجزه‌ی جاویدان آفریدگار است و هرگز از معلومات محدود آفریدگان چنین چیزی ساخته نیست).»

در این نوشته کوتاه نمی‌توان حتی به نام‌ها و کتاب‌های اندیشمندان این گستره اشاره کرد، ولی تنها یادآور می‌شویم که در کتاب ارزشمند خدمات متقابل اسلام و ایران، مرحوم شهید مطهری، مطالب بسیار سودمندی در این باره آورده‌اند که بد نیست به چند نمونه از آن‌ها اشاره کنیم:

کتاب «عروف سیبویه در نحو که به نام «الکتاب» معروف است از بهترین کتب جهان: رفرن خود یعنی از قبیل مجسطی بطلمیوس در هینت و منطق ارسطو در منطق صوری تالی شده بارها در پاریس و برلین و کلکته و مصر چاپ شده است. سید بحر معلوم دیگران گفته‌اند: همهٔ علما در نحو عیال سیبویه می‌باشند. در این کتاب به سیصد جا از قرآن مجید استشهاد شده است.^۱

بنابر نقل مرحوم شهید مطهری در کتاب تاسیس الشیعة لعلموم الاسلام، از مرحوم سیدحسن صدر آمده است که «أمة بن عیاض شامی نقل کرده که: (فُتِحَ النُّحُو بفارس و خُتِمَ بفارس) یعنی نحو از فارس و وسیلهٔ سیبویه آغاز گشت و در فارس با رفتن ابوعلی فارسی پایان یافت. گرچه خود مرحوم مطهری این سخن را مبالغه می‌داند، ولی اصل تاثیر دانشمندان غیر عرب در تکمیل ادبیات و تفسیر را به روشنی می‌توان دریافت. حتی کتاب‌های لغت عرب و نام‌آورترین آثار را در این باره ایرانیان نگاشته‌اند: کتاب‌هایی چون صحاح اللغة تالیف ابو عمرو شیبابوری، مفردات القرآن تالیف راغب اصفهانی، قاموس اللغة تالیف فیروزآبادی، اساس اللغة تالیف زمخشری.

بدین سان می‌توان تصدیق کرد که گسترش و بالندگی ادبیات عرب در میان مسلمانان به بار نشسته و هدف اصلی آنان، پژوهش در قرآن که در نگاه آنان سخن

۱. مطهری، مرتضی: خدمات متقابل اسلام و ایران، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۶۲، ص ۴۵۶-.

دل افروز و آهنگین خداوند می‌باشد، بوده است. آنچه از این نکته‌ها پی می‌گیریم این‌که دریافت جنبه‌های دوگانه ادبیات قرآن تا این پایه که گفته‌ایم، نیازمند آشنایی نزدیک و گسترده با زبان عربی است و همه انسان‌ها از هر جای زمین و در هر روزگاری می‌توانند این ویژگی شگفت قرآن را تصدیق کنند، و با بررسی مستقیم این کتاب به زبان اصلی آن، لایه‌های ژرف‌تری را برای دانش‌پژوهان بشکافند.

هر صورت، تحقیق و پژوهش در زمینه اعجاز قرآن در حیطه تخصص اندیشمندان و اهالی فن می‌باشد؛ آن‌هایی که در این زمینه از حظی وافر برخوردارند و به گرد پای آنان نمی‌رسیم. اما این امر هرگز سبب نمی‌شود که راهشان را دنبال نسازیم و به تحقیق و تتبع در آثار آنان نپردازیم، باشد که در این راستا به فتحی دست یابیم و در این دریای مملو از دُر و مرجان، مرواریدی را به دست آوریم.

این پژوهش حول محور واژگان از قرآن کریم است که معمولاً برای خیل کثیری از دوستداران قرآن و کسانی که به صوت فراوان با این کتاب روحبخش ارتباط دارند، پرسش‌ها و ابهاماتی را ایجاد می‌نماید، و معمولاً منشأ این پرسش‌ها و ابهامات، تقدیم واژه‌ای در یک آیه و تأخیر واژه‌ای در آیه‌ای مشابه است.

البته دانشمندان حوزه علوم قرآنی در زمینه توجه به «مشابه» کتاب‌هایی را تالیف نموده‌اند.^۱ این واژگان خود به چند دسته تقسیم می‌شوند.

۱. واژگانی که وجه تشابه آن‌ها تقدیم و تأخیر است. بررسی چنین واژگانی

محور این پژوهش را تشکیل می‌دهد.

۱. در این زمینه می‌توان به این کتاب‌ها اشاره نمود: درة التنزیل و غرة التأویل تالیف خطیب اسکافی، کشف المعانی فی المتشابه من المثانی، تالیف بدرالدین ابن جماعة، همچنان که برخی از مفسران نیز به موضوع واژگان مشابه و تأویل آن پرداخته‌اند. برای مثال می‌توان از زمخشری، امام فخر رازی، نیشابوری، آلوسی و شیخ محمد متولی الشعراوی نام برد.

۲. واژگانی که در کمی و زیادی حروف با یکدیگر همانندی دارند.

۳. مواردی که در برخی از آن‌ها از واژه‌ای مشابه استفاده شده و در برخی نیز حرفی به حرفی دیگر مبدل گشته است.

آنچه که قابل ذکر می‌باشد این است که در میان قدامی و پیشینیان کسی را نیافتیم که آبی و منحصرأ در رابطه با موارد تقدیم و تأخیر در قرآن کریم تالیف نمود باشد. هم‌چنان که با مواردی از تقدیم و تأخیر مواجه شدم که مورد اهمال قرار گرفته است و بر آیات، متشابه به حساب نیامده‌اند، حال آن‌که در آن‌ها از حیث تقدیم و تأخیر، سابه وجود دارد و بنده در اثنای مراجعات مکرری که به محضر قرآن داشتم نظر را با آن‌ها یافتم، و با امعان نظر در آن‌ها متوجه شدم که علت آن همان تقدیم و تأخیر است.

در این کتاب، واژه‌هایی از قرن کر را مورد بررسی قرار داده‌ایم که در آیه یا آیاتی مقدم، و در مواردی دیگر مؤخر شده‌اند. این موضوع به گونه‌ای فنی و ماهرانه صورت گرفته که در بسیاری موارد، کار را بر حافظان کلام وحی مشتبه‌گرداننده است، مگر آنان که در زمینه حفظ، از تخصص و مهارت خاصی برخوردارند.

نگارنده در پی آن است که مواردی از تقدیم و تأخیر قرآن مشخص سازد، و با استمداد از ابزارها و روش‌های شناخته شده در میراث کهن اسلامی، متون و نظریات مدون در آثار برجای مانده از گذشتگان، به بیان فنون و زیبایی‌های بلاغی و نحوی و ادبی آن بپردازد، زیرا قرآن یک شاهکار ادبی است و هرگونه شناخت و تفسیر صحیحی از آن - با هر رهیافت و هر مقصودی - باید مبتنی بر نگرش ادبی به آن باشد.

یعنی باید قرآن را به مثابه اثری ادبی به حساب آورد و با توجه به ویژگی‌های سبک شناختی‌اش باید آن را فهم و تفسیر کرد، چرا که این، مهم‌ترین ویژگی قرآن

است. بنابراین، مواردی که در آن‌ها تقدیم و تأخیر صورت گرفته، براساس معانی و جایگاه نحوی که دارند تقسیم‌بندی شده‌اند؛ که برخی دارای نقش معطوف می‌باشند، و برخی نقش خبری دارند که در پاره‌ای موارد تقدیم شده‌اند و در پاره‌ای موارد تأخیر، و برخی نقش صفت دارند، و برخی معرف باللام می‌باشند و بر حرف به اضافه در اسم (ان) مقدم شده‌اند، و برخی از این موارد نقش ظرف را دارند که بر حال مقدم شده‌اند، و برخی نیز مفعول دوم هستند و بر نائب فاعل جلو آمده‌اند، و برخی نیز جار و مجرور هستند و بر ظرف یا جار و مجروری دیگر مقدم گشته‌اند.

در این پژوهش به بیان دلایل نحوی و بلاغی تمامی موارد تقدیم و تأخیر این دسته از آیات می‌پردازیم. اثبات خواهیم کرد که هر جا تقدیمی صورت گرفته است همان شیوه درست است، و هر جا تأخیری روی داده است همان شیوه مناسب آن مکان می‌باشد، زیرا شیوهی بیان قرآن، شیوه‌ای کاملاً فنی و هدف‌دار است و هر لفظی، بلکه هر حرفی از این کتاب ترجمند به صورت فنی و هدفمند در جایگاه خود قرار داده شده است، و این موضوع در تمامی راحی آن رعایت گردیده است.

هُوَ حَسْبُنَا وَنِعْمَ الْوَكِيلُ

دکتر قادر قادری